



دانشگاه شهید بهشتی

دانشکده حقوق

پایان نامه جهت دریافت درجه ی کارشناسی ارشد رشته محیط زیست

عنوان :

مطالعه اصل مشارکت مردم در تصمیم گیری های زیست محیطی

دانشجو:

حسن قره چاهی

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر محمد حسین رضانی قوام آبادی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر سید محمد قاری سید فاطمی

شهریور ۱۳۸۹



IRANDOC

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

۱۴۹۱۱۰

۱۳۸۹/۱۰/۱۹

این اثر ناقابل را تقدیم می کنم :

به مادرم که درس ایثار و صبر و درستکاری و از خود گذشتگی و محبت به من آموخت

و

به پدرم که درس شجاعت و عدالت و امانت و نیکوکاری به من آموخت

و

به همسر مهربانم که مشوق من بودند و از مرارت‌های تهیه این کار بی بهره نبودند

و

به تمامی معلمان و اساتید بزرگوام در تمامی دوران تحصیل که همواره مشوق و راهنمایم بودند

و

به ویژه تقدیم می نمایم

به استاد گرانقدرم :

جناب آقای دکتر محمد حسین رضانی قوام آبادی

که در طول سالیان اخیر همواره با دلسوزی و مهربانی بی دریغ خود راهنما و پشتیبان من در تهیه این پایان نامه

بودند.

چکیده:

موضوع مورد مطالعه این پایان نامه اصل مشارکت مردم در تصمیم گیری های زیست محیطی است. پس از شناختن حق بر محیط زیست سالم این اصل به عنوان یکی از اصول پایه ای حقوق محیط زیست نقش مهمی در ارتقا، حفاظت از محیط زیست و برخورداری از حق بر محیط زیست ایفا می نماید. برای اجرای این اصل یک سری از ساز و کارها که محتوای این حق را تشکیل می دهند از قبیل حق دسترسی به اطلاعات و حق مشارکت در تصمیم گیریها و حق دسترسی به عدالت (وسایل جبران خسارت و دادخواهی) و حق برخورداری از آموزش های زیست محیطی لازم می باشد. در این پایان نامه از تقویت دموکراسی و شکل گیری دموکراسی مشارکتی و دموکراسی الکترونیکی و تحقق حکمرانی مطلوب و عناصر آن به عنوان اساسی ترین مبانی اصل مشارکت یاد می شود. در بخش دوم به روند شکل گیری این اصل در حقوق بین الملل محیط زیست پرداخته شده و در فصلهای بعدی به مطالعه اصل مشارکت و ارکان لازمه آن در چند کشور پرداختیم و رویه های مطلوب در آنها را به منظور استفاده در حقوق داخلی برجسته ساختیم. در پایان نیز به بررسی نقاط ضعف و قوت حقوق ایران در به رسمیت شناختن و اعمال و اجرای این اصل پرداختیم که فقدان سازو کارهای لازم قانونی و فرهنگی و نهادینه نشدن فرهنگ دموکراتیک به عنوان اساسی ترین موانع پیش روی مشارکت مردم در حوزه محیط زیست در ایران می باشد.

کلید واژه: دموکراسی، مشارکت مردم، تصمیم گیری زیست محیطی، حق دسترسی به اطلاعات، حق دسترسی به عدالت

بسم اله الرحمن الرحيم

«بلبل از فیض گل آموخت سخن ورنه نبود این همه قول و غزل تعبیه در منقارش»^۱

اثری که پیش رو دارید به منظور اخذ مدرک کارشناسی ارشد اینجانب در رشته حقوق محیط زیست دانشگاه شهید بهشتی فراهم آمده است و حاصل فعالیت مطالعاتی تقریباً دو سال اینجانب در این دانشگاه است. در تهیه و تدوین این اثر از راهنمایی اساتیدم بهره های فراوانی بردم و اگر نبود حمایتها و تشویقها و دلگرمی ها و دانش علمی آنها یقیناً این اثر به ثمر نمی رسید. از یکایک آنها به خصوص استاد راهنمای این پایان نامه جناب آقای دکتر رضانی قوام آبادی که در طول این مدت همواره با راهنمایی ها و تشویق های خود مرا مورد لطف و محبت قرار دادند، تشکر و قدردانی می نمایم. از جناب استاد آقای دکتر قاری سید فاطمی نیز که زحمت مشاوره این کار را پذیرفتند و از مشورتهای کارساز و ارزنده خود در تهیه این اثر ما را بهره مند و مستفیض نمودند، سپاسگذاری می نمایم و همچنین از جناب استاد آقای دکتر ضرغام غریبی که زحمت مطالعه و داوری این کار را پذیرفتند، قدردانی می کنم و برای همه آنها از خداوند متعال موفقیت و سعادت روز افزون طلب می کنم.

موضوع مورد مطالعه در این پایان نامه اصل مشارکت مردم در تصمیم گیری های زیست محیطی است. آنچه انگیزه و علاقه اینجانب را برای انتخاب و مطالعه این موضوع برانگیخت، علاقه به موضوعات حقوق عمومی بود. همواره در طول دوران تحصیل دانش حقوق این سوال برای اینجانب مطرح بوده است که چه کسانی حق حکمرانی دارند؟ چه کسانی حق تصمیم گیری دارند؟ چرا عده ای به خود اجازه می دهند که برای دیگران تصمیم گیری نمایند؟ برایم این سوال مطرح بود که اگر در تصمیماتی که دیگران را متاثر می سازد، به هنگام تصمیم گیری به آنها حق مشارکت دهیم، یقیناً تصمیمات بهتری گرفته خواهد شد. این سوالات همواره ذهن مرا به خود مشغول کرده بوده و از موضوعات جالب برایم بودند. تا اینکه با ورود به رشته حقوق محیط زیست اهمیت این موضوع برایم بیشتر و روشنتر گردید. با مطرح نمودن موضوع با اساتید گروه حقوق محیط زیست و نظر مساعد آنها به خصوص آقای دکتر رضانی این موضوع را به عنوان پایان نامه ام برگزیدم.

در تهیه و نوشتن این پایان نامه از مرارتهای و سختی که در کار بوده است و با آن مواجه گردیده ام، نیز بد نیست یاد کنیم. از آنجایی که رشته حقوق محیط زیست از رشته های نو ظهور و نوپا می باشد و منابع کافی

^۱ حافظ شیرازی

در خصوص آن هنوز تدوین نشده است و هنوز نویسندگان و محققان ما در این مورد کمتر تالیف و ترجمه نموده اند ، بنابراین در تهیه این پایان نامه مسائل و مشکلات فراوانی پیش روی اینجانب بود. به همین خاطر تا آن جا که ممکن بود از منابع و مطالعات داخلی استفاده نمودم ولی به دلیل قلت منابع و کثرت ابعاد موضوع، بایستی مستمرا از منابع و مراجع این حقوق به زبان انگلیسی استفاده می کردم و به همین دلیل اعظم کار اینجانب به مطالعه و مراجعه به متون و منابع خارجی و دسته اول از قبیل کنوانسیونها و معاهدات بین المللی این رشته و موضوع اختصاص پیدا کرد . اساتید فن به خوبی می دانند که کار ترجمه و برگرداندن تمام مفاهیم از یک زبان به زبان دیگر چه کار سخت و طاقت فرسایی است و اگر مترجم چیره دست هم باشد باز هم در انتقال رموز و مفاهیم یک زبان به زبان دیگر توفیق کامل حاصل نمی تواند کند. اما سعی و تلاش اینجانب بر این بوده است که در ترجمه و برگرداندن مفاهیم زبان خارجی سنگ تمام بگذارم تا حق مطلب ادا گردد. تا چه قبول افتد.

در انتقال بسیاری از مفاهیم در حقوق خارجی به حقوق داخلی به خصوص حقوق محیط زیست که هنوز نوپاست و یافتن معادل های دقیق برای واژه ها و اصطلاحات بعضا با مشکلاتی روبرو بودم. مثلا معادل برخی از واژه ها را در فارسی نداشتیم و به همین منظور بایستی معادل سازی می کردم. از همین رو به برخی از آنها که در طول مطالب پایان نامه به آنها برخورد خواهیم داشت اشاره می کنم:

۱. مفهوم concerned public که در متون حقوق محیط زیست به معنی افراد و مردمی که در معرض پیامدهای زیست محیطی قرار دارند را چگونه باید معادل گذاری کرد؟ معادلی که برای این مفهوم در نظر گرفته شده واژه مرکب "مردم متاثر شده" است .

یا مثلا اصطلاح comment که در متون مربوط به اصل مشارکت به مفهوم بیان نقطه نظرات راجع به یک طرح و برنامه است. در این پایان نامه نیز به همین صورت ترجمه گردید.

یا در خلال این اثر مکررا به واژه "سهامداران" یا "ذی نفعان" برخورد خواهیم کرد که معادل واژه stakeholder می باشد.

۲. برای تدوین و نگارش این پایان نامه هم متون داخلی و هم متون خارجی مورد مطالعه قرار گرفت و بیشتر اسنادی که از آنها استفاده گردید هنوز ترجمه ای درست از آنها در اختیار نبوده و بنابراین با ترجمه ای که از آنها انجام دادم از آنها استفاده نمودم.

در برخی موارد مطالبی از سایتهای مختلف اینترنتی استفاده شده که به ذکر منبع پرداخته ام. روش کار در این مطالعه تحلیلی- توصیفی و به روش گردآوری مطالب، کتابخانه ای و استفاده از مطالب سایتهای اینترنتی بوده است.

در پایان به حکم "من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق" از تمامی دوستان و اساتیدی که در کار جمع آوری و تدوین این پایان نامه اینجانب را مورد لطف و محبت بی دریغ خود قرار دادند، قدردانی و تشکر می نمایم و از تمامی عزیزان دانشجو و اساتید فن استدعا دارم که این کار را مانند هر کار بشری بنگرند و لغزشها و خطاها و کاستی ها را به دیده اغماض ببینند و با ارائه پیشنهادات و انتقادات خود از طریق پست الکترونیکی gharechahi@yahoo.com ما را در اصلاح خطاها و کاستی یاری و مدد فرمایند.

« از خدا جوئیم توفیق ادب بی ادب محروم ماند از لطف رب

بی ادب نه خود را بد داشت بلکه آتش در همه آفاق زد»^۱

والسلام

حسن قره چاهی

شهریور ماه ۱۳۸۹

^۱ مولوی

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۸	فصل اول : مبانی و جایگاه اصل مشارکت در حقوق بین الملل
۹	بخش اول: مبانی و کلیات اصل مشارکت
۹	گفتار اول : شکل گیری مشارکت در پرتو جامعه حقوقی
۱۱	گفتار دوم : آموزه دموکراسی و تسهیل مشارکت عمومی
۱۱	بند اول : مفهوم دموکراسی
۱۲	بند دوم : انواع دموکراسی
۱۴	بند سوم : دیدگاه‌ها درباره دموکراسی
۱۵	بند چهارم : مراحل تکامل دموکراسی
۱۶	بند پنجم : مدل دموکراسی مشارکتی
۱۸	بند ششم: مدل دموکراسی الکترونیک
۲۰	۱- سناریوی دموکراسی الکترونیک
۲۱	۲- تأثیر دموکراسی الکترونیک بر خط مشی گذاری
۲۱	۳- ابزارهای الکترونیک در چرخه خط مشی گذاری
۲۲	۴- چالش های دموکراسی الکترونیک
۲۵	گفتار سوم: مشارکت عمومی ابزار حکمرانی مطلوب
۲۶	بند اول : پارادایم دولت نوین
۲۹	بند دوم : مشارکت ابزار حکمرانی مطلوب
۳۴	بند سوم : رویکرد مشارکتی و انواع شیوه های تصمیم گیری اداری
۳۷	بند چهارم : مبنای حقوقی مشارکت عمومی
۳۸	بند پنجم: کارکردهای مشارکت عمومی در تصمیم گیری ها
۴۰	بند ششم: رابطه محیط زیست و حقوق بشر
۴۲	بخش دوم: جایگاه اصل مشارکت در حقوق بین الملل
۴۲	طرح موضوع
۴۲	گفتار اول : جایگاه اصل مشارکت در اعلامیه های اولیه حقوق محیط زیست:
۴۳	بند اول : اعلامیه جهانی استکهلم
۴۴	بند دوم : اعلامیه جهانی ریو
۴۶	بند سوم : منشور جهانی طبیعت
۴۷	بند چهارم: سند کنفرانس ۲۰۰۲ ژوهانسبورگ
۴۷	گفتار دوم : جایگاه اصل مشارکت در کنوانسیونهای منطقه ای و جهانی
۴۷	بند اول : کنوانسیون منطقه ای آروهاس
۴۸	یکم : کلیات کنوانسیون آروهاس
۴۹	دوم: تعهدات دولتها ناشی از کنوانسیون آروهاس

- سوم: مشارکت مردم در موضوعات فرامرزی (کنوانسیون آپسو)..... ۵۱
- چهارم: حق دسترسی به اطلاعات در چارچوب آروهاس..... ۵۴
- الف: تعریف اطلاعات زیست محیطی..... ۵۴
- ب: دسترسی منفعل به اطلاعات..... ۵۶
- ج: دسترسی فعال به اطلاعات..... ۵۶
- د: آیین ارزیابی اثرات زیست محیطی..... ۵۷
- ی: وضعیت گزارش های زیست محیطی..... ۵۸
- بند دوم: کنوانسیونهای جهانی..... ۵۸
- یکم: رویکرد مشارکت عمومی در کنوانسیون بیابان زدایی..... ۵۸
- دوم: کنوانسیون تنوع زیستی..... ۵۹

فصل دوم: عناصر و محتوای اصل مشارکت..... ۶۲

- بخش اول: اصل دسترسی به اطلاعات..... ۶۲
- طرح موضوع..... ۶۲
- گفتار اول: حق بر دانستن مبنای اصل دسترسی به اطلاعات..... ۶۴
- ۱- حق بر دانستن به عنوان یک ارزش و هدف..... ۶۴
- ۲- حق بر دانستن به عنوان یک وسیله..... ۶۴
- الف) لیبرالیسم و حق بر دانستن..... ۶۵
- یکم: لیبرالیسم، اوتونومی و حق بردانستن..... ۶۶
- دوم: لیبرالیسم؛ کرامت انسانی و حق بر دانستن..... ۶۶
- سوم: لیبرالیسم؛ عقل و حق بر دانستن..... ۶۷
- ب) دموکراسی و حق بر دانستن..... ۶۷
- یکم: دموکراسی؛ شهروندی و حق بردانستن..... ۶۷
- دوم: دموکراسی؛ مشارکت و حق بر دانستن..... ۶۷
- ۱- دموکراسی؛ مشارکت در معنای مضیق و حق بر دانستن..... ۶۹
- ۲- دموکراسی؛ مشارکت در معنای موسع و حق بردانستن..... ۶۹
- سوم: آزادی بیان؛ فرزندی دو رگه..... ۷۰
- گفتار دوم: منابع اصل دسترسی به اطلاعات..... ۷۲
- ۱- اعلامیه اجلاس زمین در خصوص محیط زیست و توسعه..... ۷۶
- ۲- دستور کار ۲۱..... ۷۶
- ۳- اصول راهبردی صوفیا مصوب ۱۹۵۵..... ۷۷
- ۴- کنوانسیون بین المللی حق بر اطلاعات و مشارکت عمومی در زمینه محیط زیست..... ۷۸
- گفتار سوم: ابزارها و شیوه های موثر..... ۷۹
- اصول ۹ گانه آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات..... ۸۱
- اصل اول: افشای حداکثر..... ۸۲
- اصل دوم: الزام به انتشار..... ۸۲

- ۸۳ اصل سوم: تقویت حکومت باز.
- ۸۳ ۱- آموزش عمومی
- ۸۳ ۲- مقابله با فرهنگ پنهان کاری رسمی
- ۸۴ اصل چهارم. دامنه محدود موردهای استثناء.
- ۸۶ اصل پنجم: آسان کردن دسترسی به اطلاعات
- ۸۷ اصل ششم: هزینه‌ها
- ۸۸ اصل هفتم: مذاکرات علنی
- ۸۸ اصل هشتم. اولویت با افشاست.
- ۸۹ اصل نهم. حمایت از هشدار دهندگان
- ۸۹ گفتار چهارم: روند جهانی رویکرد به آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات
- ۹۰ گفتار پنجم: حق دسترسی به اطلاعات در قوانین اساسی
- ۹۴ گفتار ششم: حق دسترسی به اطلاعات در قوانین ملی
- ۹۵ گفتار هفتم: جایگاه آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات در ایران
- ۹۵ بخش دوم: اصل مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها زیست محیطی
- ۹۵ گفتار اول: طرح موضوع و اهمیت مشارکت مردم در موضوعات زیست محیطی
- ۹۸ گفتار دوم: منابع اصل مشارکت
- ۹۸ ۱- اعلامیه ی ریو و دستور کار ۲۱
- ۹۸ ۲- منشور جهانی طبیعت
- ۹۹ ۳- اصول راهبردی صوفیا (۱۹۹۵)
- ۹۹ ۴- کنوانسیون بین المللی حق بر اطلاعات و مشارکت عمومی در زمینه محیط زیست (۱۹۹۸)
- ۹۹ ۵- کنوانسیون اپسو راجع به ارزیابی آثار زیست محیطی در زمینه برون مرزی (۱۹۹۱)
- ۹۹ ۶- کنوانسیون تغییرات آب و هوایی
- ۹۹ ۷- پیش طرح سومین میثاق بین المللی حقوق همبستگی
- ۹۷ گفتار سوم: ابزارها و شیوهای موثر
- ۹۸ یکم: اهمیت مشارکت عمومی در موضوعات زیست محیطی
- ۱۱۲ بخش سوم: اصل دسترسی به عدالت (حق اقامه ی دعوا و جبران خسارات زیست محیطی)
- ۱۱۲ طرح موضوع
- ۱۱۴ گفتار اول: منابع اصل دسترسی به عدالت
- ۱۱۴ ۱- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر
- ۱۱۴ ۲- اعلامیه ی ریو و دستور کار ۲۱
- ۱۱۴ ۳- پیش نویس سومین میثاق بین المللی حقوق همبستگی
- ۱۱۴ ۴- کنوانسیون حقوق دریاها
- ۱۱۵ ۵- اصول راهبردی صوفیا
- ۱۱۵ گفتار دوم: ابزارها و شیوهای کارایی بیشتر و راه و حل مساله اهلیت حقوقی
- ۱۲۳ گفتار سوم: نقش مشارکتی سازمانهای غیر دولتی

۱۲۸.....	فصل سوم: اصل مشارکت و اجرای آن در کشورها
۱۲۸.....	بخش اول: اجرای اصل مشارکت در حقوق برخی کشورهای خارجی
۱۲۸.....	گفتار اول: اصل مشارکت در بلغارستان
۱۴۳.....	گفتار دوم: اصل مشارکت و دسترسی به عدالت در آلمان
۱۵۱.....	گفتار سوم: اصل مشارکت در ایالات متحده امریکا
۱۷۳.....	بخش دوم: اجرای اصل مشارکت و عناصر آن در حقوق ایران
۱۷۳.....	گفتار یکم: مشارکت مردم در رویکرد قانون اساسی ج.ا.ا.
۱۷۶.....	گفتار دوم: بررسی لایحه دسترسی به اطلاعات در ایران
۱۷۸.....	گفتار سوم: کارآمدی قانون انتشار و دسترسی به اطلاعات
۱۷۹.....	گفتار چهارم: اصل اطلاع رسانی و آموزش زیست محیطی در قوانین برنامه
۱۸۰.....	گفتار پنجم: اصل اطلاع رسانی و آموزش زیست محیطی در قوانین عادی ایران
۱۸۱.....	گفتار ششم: مشارکت مردم در قوانین جمهوری اسلامی
۱۸۳.....	گفتار هفتم: عنصر سوم اصل ۱۰ اعلامیه ریو و اجرای آن در حقوق ایران
۱۸۳.....	نتیجه گیری
۱۸۶.....	منابع و ماخذ

به نام خداوند جان و خرد

مقدمه:

در این تحقیق در صدد مطالعه و تحقیق پیرامون یکی از مهمترین اصول و مسایل محیط زیست در عرصه حقوق بین الملل و حقوق داخلی هستیم. از آغاز قرن بیستم با رشد و توسعه صنعت و شهرنشینی و افزایش بی سابقه جمعیت، جهان شاهد بروز یک سری مشکلات زیست محیطی از جمله تخریب محیط زیست، از بین رفتن تنوع زیستی، تخریب لایه ازن (بیوسفر)، تغییرات آب و هوایی، بارانهای اسیدی، انفجار جمعیت، نابودی روز افزون جنگلها و گونه های نادر گیاهی و جانوری و مسایلی از این دست گردید که همگی این مسائل، جهان را به سمت یک فاجعه زیست محیطی پیش برده و آینده کره زمین را با ابهام مواجه ساخته است.

از اوایل دهه هفتاد میلادی روند نگرانی ها پیرامون محیط زیست بشر رو به فزونی نهاد. هر چند آغاز این نگرانی به کشورهای توسعه یافته و صنعتی غرب باز می گردد اما به تدریج درک و فهم مسایل و مشکلات پیش روی بشر ناشی از تبعات و عواقب زیست محیطی فعالیتهای مخرب او در سایر مناطق جهان نیز شکل گرفت به طوری که امروزه هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای در حال توسعه به یکی از مهمترین نگرانی و دغدغه ها تبدیل گردیده است و از مسئله حفاظت از محیط زیست به «نگرانی مشترک بشریت»^۱ یاد می شود.

از اوایل دهه ۶۰ میلادی توجه به امور زیست محیطی به صورت یک جنبش فراگیر با پیشخوانه و حمایت افکار عمومی و علاقه مندی آنها روز به روز دامنه وسیعتری به خود گرفت و با ظهور و بروز مجموعه ای از نشانه ها و علائم زیست محیطی که حاکی از وجود بحرانهای زیست محیطی بود ما شاهد زنگ خطر و هشدار باش برخی از دانشمندان در خصوص محیط زیست هستیم که متعاقباً این نگرانی ها وارد عرصه سیاست دولتها نیز می شود و شاهد یک روند دیپلماسی حول مسئله محیط زیست هستیم به طوری که امروزه در کمتر اجلاس جهانی هست که مسایل جهانی و منطقه ای محیط زیست در دستور کار سران کشور ها قرار نگیرد.

روند پدیداری قواعد نشان می دهد که چگونه نظامات پیشنهادی تبدیل به هنجارها شده و هنجارها نیز تبدیل به حقوق می شوند و این برای مشروعیت هنجارها بسیار مهم است. مشروعیت نیز بالتبع بر مقبولیت آنها تاثیر می گذارد. مشروعیت تا حد زیادی با مشارکت ظهور می یابد. حکومت شونده باید بداند و دریابد که آنها در حکمرانی (اختیار داری و نظارت)

^۱ جهت مطالعه بیشتر در خصوص مفهوم «نگرانی مشترک بشریت» رجوع شود به الکساندر کیس و همکاران؛ حقوق محیط زیست؛ ترجمه محمد حسن حبیبی؛ انتشارات دانشگاه تهران؛ چاپ دوم؛ جلد نخست؛ صص ۱۰۱ الی ۱۰۳

دارای حق رای هستند و بایستی به طور مستقیم یا از طریق نمایندگی وارد شور و مشورت شده و اقدام نمایند. در صحنه داخلی مشارکت به طور غیرمستقیم با انتخاب نمایندگان و به طور مستقیم از طریق رایزنی گروهی در عمل به اجرا در می آید.

اولین کنفرانس جهانی راجع به محیط زیست در سال ۱۹۷۲ در استکهلم سوئد نقطه آغازین در پیشینه تاریخی برای آگاهی از مسائل زیست محیطی به حساب می آید که با مشارکت گسترده نمایندگان تقریباً کلیه کشورها و همچنین دانشمندان و جوامع مدنی و روزنامه نگاران و بسیاری از تحلیل گران تشکیل می گردد که حاصل گفتگوها و مذاکرات گسترده آنها، تصویب اعلامیه معروف به استکهلم گردید که حاوی ۲۶ ماده و یک مقدمه است و برای نخستین بار موضوع حقوق محیط زیست، به عنوان یک حق بشری در اصل اول بیانیه ۱۹۷۲ استکهلم مطرح گردید "انسان دارای حق اساسی آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی را دارد که شان انسانی و خوشبختی او را تامین کند و". در واقع از این پس دولتها شاهد شکل گیری تدریجی یک سری اصول مهم و پایه ای در یک شاخه جدید از حقوق بین الملل به عنوان حقوق بین الملل محیط زیست هستند که بعدها با در نظر گرفتن این اصول پایه ای به گسترش و توسعه تدریجی مقررات داخلی خود در انطباق با این اصول پرداخته و زمینه شکل گیری یک سری مقررات و قوانین در راستای حفاظت و حمایت از محیط زیست را فراهم می نمایند که امروزه از جمله این مقررات می توان به مقررات راجع به استاندارد گذاری های محیط زیستی و مقررات کیفری و حقوقی زیست محیطی اشاره نمود که در هریک از کشورهای جهان به صورت یک طیف متنوع و متغیر به حمایت و حفاظت از محیط زیست می پردازند. همانند هر یک از شاخه های علوم که بر یک سری مبانی و اصول استوار هست، حقوق بین الملل محیط زیست نیز به تدریج از این اصول پایه ای برخوردار می گردد. اصول اساسی این رشته که موجب توسعه و گسترش آن در داخل کشورها گردیده از جمله شامل اصل عدم استفاده زیانبار از سرزمین، اصل همکاری و مشاوره، اصل پیشگیری، اصل احتیاطی، اصل ارزیابی پیامدها و اثرات زیست محیطی، اصل آلوده کننده پرداخت کننده و اصل مشارکت شهروندان و غیره است.

یکی از این اصول پایه ای^۱، "اصل مشارکت شهروندان در تصمیم گیری های محیط زیستی"^۲ است که شروع شکل گیری آن به اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم باز می گردد و در سایر اعلامیه ها و کنوانسیونها اعم از بین المللی و منطقه ای نیز مورد

^۱ - ۱- جهت مطالعه بیشتر در خصوص مفهوم «اصول پایه ای حقوق محیط زیست» رجوع شود به الکساندر کیس و همکاران: حقوق محیط زیست؛ ترجمه محمد حسن حبیبی؛ انتشارات دانشگاه تهران؛ چاپ دوم؛ جلد نخست؛ صص ۶۹ به بعد.

تاکید مجدد دولتها قرار می‌گیرد و با پذیرش و تصویب این اصل در کنار اصول دیگر محیط زیست، جامعه جهانی از دولتهای جهان می‌خواهد که این اصل را به عنوان یکی از ابزارهای مهم حفاظت از محیط زیست به رسمیت بشناسند و با وارد نمودن آن در قوانین داخلی خود به همراه ایجاد بسترهای لازم زمینه اجرای عملی و کاربردی این اصل را فراهم نمایند. بسیاری از دولتها - که همواره در زمینه پیروی از مقررات جهانی پیشرو هستند - این اصل را وارد قوانین و مقررات داخلی خود نموده و حتی بعضا به عنوان یکی از اصول اساسی در قانون اساسی خود مورد پذیرش قرار داده اند که این خود می‌تواند گام بسیار موثری در زمینه اجرای آن در راستای حفاظت از محیط زیست باشد. این اصل در ابتدا به صورت آشکار در کنوانسیون های مهم جهانی و منطقه ای در خصوص حفاظت از محیط زیست به رسمیت شناخته شد و به تدریج از طریق کنوانسیونهای بین المللی به عنوان یک ابزار مهم در راستای حفاظت از محیط زیست وارد قلمرو حقوق داخلی کشورها گردید.

یکی از مهمترین کنوانسیونهای منطقه ای در سطح کشورهای اتحادیه اروپا، کنوانسیون معروف به آروهاس¹ است که در این کنوانسیون به طور خاص به موضوع مشارکت مردم و دسترسی آنها به اطلاعات و عدالت زیست محیطی اشاره شده است. این کنوانسیون اولاً از آن جهت که قلمرو جغرافیایی وسیعی از کشورهای جهان به خصوص کشورهای توسعه یافته اروپایی را در بردارد و ثانیاً اولین کنوانسیون است که به صورت عملی در صدد اجرایی کردن اصل دهم اعلامیه جهانی ریو است و ثالثاً در بردارنده هر سه عنصر مندرج در اصل ۱۰ می باشد، حائز اهمیت فراوان است. بنابراین ما در این رساله این کنوانسیون را به صورت کامل مورد مطالعه قرار خواهیم داد و از این کنوانسیون به عنوان یک الگو و نمونه خوب و از مقررات آن در بسط و توسعه اصل مشارکت استفاده خواهیم نمود.

اصل مشارکت در حقوق محیط زیست به معنی دخالت و مشارکت دادن افراد و گروهها در زمینه حفاظت از محیط زیست به خصوص دخالت و حضور آنها در تصمیم گیری های زیست محیطی است. مشارکت شهروندان موجب می شود که تصمیمات بهتری اتخاذ گردد، از توان و خلاقیت مردمان محلی استفاده شود، مشارکت موجب تقویت و استواری بیشتر تصمیمات شده و راه را برای ابراز نقطه نظرات و دیدگاههای مختلف و گوناگون هموار می سازد. تصمیماتی که با مشارکت افراد و گروههای بیشتری اتخاذ می گردد در اعمال و اجرا با مشکلات کمتری روبرو هستند و در نهایت مشارکت مردم در موضوعات زیست محیطی خود نوعی تمرین برای دموکراسی است و به همین خاطر است که گفته می شود این اصل از حقوق محیط زیست موجب تحکیم دموکراسی در جوامع گردیده است.

¹- Aarhus Convention on Access to Information, Public Participation in Decision-making and Access to Justice in Environmental Matters(1988)

از آنجا که اصل مشارکت مردم یک موضوع کلی و گسترده است و در بردارنده هر گونه مشارکت در تمامی موضوعات از قبیل مشارکت اجتماعی و فرهنگی و سیاسی می گردد، بنابراین موضوع مورد مطالعه در این پایان نامه، صرفاً مشارکت شهروندان در موضوعات زیست محیطی را در بردارد و مشارکت در سایر جنبه های اجتماعی خارج از حیطه مطالعه این پایان نامه می باشد. البته این مشارکت می تواند به صورت مشارکت عموم در طرحها، برنامه ها، قانونگذاری و تصمیم گیری های زیست محیطی باشد که ضمن در نظر داشتن مشارکت آنها در معنای اعم، به دلیل جلوگیری از پراکندگی مطالب و اجتناب از تطویل کلام و موضوع، تاکید اصلی در این پایان نامه بر موضوع «مشارکت مردم در تصمیم گیری های زیست محیطی» خواهد بود، هر چند خاطر نشان می کنیم که مشارکت، مفهومی عام و کلی است و در بردارنده طیف وسیعی از موضوعات است. مثلاً در بسیاری از موارد حقوق محیط زیست از آن حیث که در جهت حفاظت از محیط زیست در راستای ایجاد محیطی سالم برای انسانهاست، بدون مشارکت و همکاری آنها با موفقیت زیادی همراه نخواهد بود و به همین دلیل است که دولتها به خوبی نقش مردم به خصوص مردمان بومی، جوامع محلی، جوانان و زنان را در حفاظت از محیط زیست شناخته اند و از دهه هفتاد به این سو در اسناد بین المللی بر نقش آنها به عنوان یک عنصر کلیدی در حفاظت از محیط زیست تاکید نموده اند و همچنان در جهت بسط و توسعه این اصل در سطح بین المللی و ملی می کوشند. از آنجا که حفاظت از محیط زیست برای مردم است و همه افراد در حفظ آن ذی نفع هستند بنابراین هر گونه اقدامی در این راستا بایست با فرهنگ سازی و آموزش و اطلاع رسانی و مشارکت آنها برای ایفای این نقش صورت بگیرد که در این رساله به این موضوع نیز خواهیم پرداخت.

امروزه حقوق بشر در مناسبات بین المللی یکی از مهمترین موضوعات تاثیرگذار به شمار می رود. در رابطه با حقوق بشر کنوانسیون ها و معاهدات بین المللی گوناگون و فراوانی اعم از الزام آور و غیر الزام آور مورد پذیرش قرار گرفته است. کنوانسیون های جهانی حقوق بشر و بعد از آن میثاق های حقوق بشری هر یک در صدد تعمیق و ایجاد قواعد مشخص و معینی در این زمینه هستند. نهادهای بین المللی فراوانی نیز در سطح جهانی و منطقه ای در این راستا شکل گرفته و به حمایت از حقوق بشر اختصاص یافته اند که البته بررسی آن موضوع مورد مطالعه ما نیست. حقوقدانان قواعد حقوق بشری را با توجه به ظهور و پیدایش آنها به چند مقوله یا نسل تقسیم بندی نموده اند. از نسل اول حقوق بشر با عنوان حقوق آزادی ها یاد می شود که اختصاص به حقوق مدنی و سیاسی دارد. نسل دوم حقوق بشر اختصاص به حقوق اجتماعی و سیاسی دارد و بعداً نسل سوم حقوق بشر شکل می گیرد که حقوق همبستگی ها نام دارد. از جمله حقوق

نسل سوم، حق بر توسعه^۱، حق بر صلح، حق بر منع تبعیض و حق بر محیط زیست سالم را می توان نام برد. حق بر محیط زیست به عنوان یک حق بشری امروزه دیگر از استحکام و قوام یافتگی کافی برخوردار شده است و به خوبی می توان از آن به عنوان یکی از مهمترین حقوق بشر یاد کرد. زیرا برخورداری از این حق یعنی برخورداری از بسیاری دیگر از حقوق بشر مانند مهمترین آنها یعنی حق حیات، حق غذا، حق آب بهداشتی و سالم، که در کنوانسیونهای مربوط به نسل اول و دوم حقوق بشر از آنها به عنوان حقوق بشر یاد شده است و مورد حمایت دولتها قرار گرفته است. مقوله حقوق بشر یکی از مباحث مهم در زمینه حفاظت از محیط زیست به شمار می رود به طوری که حمایت از حق های بشری مثل حق حیات، حق تجمع و تشکیل اجتماعات، حق آزادی بیان، مشارکت سیاسی، آزادی های فردی حق دسترسی به عدالت و جبران خسارت همگی ابزارهای قانونی هستند که منجر به حفاظت بیشتر از محیط زیست می گردد.

حق بر محیط زیست سالم مستلزم یک سری تعهدات و تکالیف حقوقی بر دولتهاست. چون در عالم حقوق پذیرفته شده است که آن سوی سکه حق، تکلیف قرار داده شده است و هنگامی که صحبت از حق می شود باید از تکلیف متقابل نیز یاد شود. وقتی که برای بشر و افراد حق بر محیط زیست سالم قائل می شویم باید از تکلیف دولت در برآورده ساختن این حق نیز یاد کنیم. به راستی با شناسایی حق بر محیط زیست برای بشر تکالیف دولتها در این زمینه چه خواهد بود؟ پاسخ کوتاه اینکه با شناسایی حق بر محیط زیست، دولتها بایستی به مردم در زمینه محیط زیست اطلاع رسانی نموده، آنها را در فرایند تصمیم گیری ها مشارکت دهند و تصمیمات با جلب نظر آنها اتخاذ گردد و حق جبران خسارت و امکان طرح دعوی در مراجع قضایی را برای آنها به رسمیت بشناسند که همه اینها موضوع مورد مطالعه ما در این پایان نامه می باشد. بنابراین، بی تردید برای تحقق و بهرمندی حق بر محیط زیست باید به عناصر لازمه آن دست یابیم. این عناصر و اصول که می توان از آنها به عنوان محتوای حق بر محیط زیست نیز یاد کرد عبارتند از اصل دسترسی به اطلاعات، اصل

^۱ - حقوق همبستگی (حق انسان بر داشتن توسعه همه جانبه، صلح، محیط زیست سالم، و میراث فرهنگی و معنوی و طبیعی مطلوب) پس از حقوق مدنی - سیاسی و نیز حقوق اجتماعی و اقتصادی، سومین نسل از حقوق بشر است که همانا یکپارچه و هماهنگ کننده دو نسل پیشین است. مفهوم حق توسعه در قطعنامه شماره ۱۱۶۱ مصوب ۱۹۵۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه مربوط به توسعه و پیشرفت اجتماعی (۱۱ دسامبر ۱۹۶۹)، بیانیه نهایی نخستین کنفرانس جهانی حقوق بشر (تهران ۱۳ ماه مه ۱۹۶۸)، بیانیه ۱۹۷۲ استکهلم. اما به طور اختصاصی اعلامیه حق توسعه در سال ۱۹۸۶ میلادی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و پس از آن در بیانیه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه (ریو د ژانیرو - ۱۹۹۲) به رابطه توسعه و محیط زیست اشاره شد. سپس با تصویب کنوانسیون وین در ۱۹۹۳ میلادی و ایجاد نهادی به نام کمیساریای عالی حقوق بشر بر بهبود و پشتیبانی از برآورده کردن حق توسعه از سوی این نهاد پافشاری شده است. در اعلامیه توسعه هزاره مصوب سپتامبر ۲۰۰۰ میلادی نیز که به تصویب ۱۸۹ تن از سران دولتها رسیده، آرمانهای توسعه هزاره سوم تا سال ۲۰۱۵ میلادی در هشت بند اعلام شده عبارتند از: کاهش گرسنگی و فقر شدید به نصف، دستیابی به آموزش ابتدایی همگانی، توانمند سازی زنان و پشتیبانی از برابری زنان و مردان، کاهش مرگ و میر کودکان کمتر از پنج سال به دو سوم، کاهش مرگ و میر مادران به هنگام زایمان به سه چهارم، جلوگیری از گسترش بیماری ها، بویژه ایدز و مالاریا، مشارکت سازی جهانی برای گسترش برای کمک به تجارت و کاهش بدهی و در نهایت تضمین امکان تداوم از نظر محیط زیست

مشارکت و اصل دسترسی به عدالت و حق برخورداری از آموزش های زیست محیطی. ما در این رساله به بررسی هر یک از این موضوعات و منابع و مبانی آنها نیز خواهیم پرداخت.

همانطور که در ادامه ذکر خواهد شد زمانی مشارکت کامل و کافی تحقق می یابد که شهروندان و مردم اطلاعات کافی در خصوص این حق و همینطور موضوعی که برای مشارکت در نظر گرفته شده، داشته باشند. دسترسی به اطلاعات زیست محیطی شرط لازم مشارکت عمومی در اتخاذ تصمیمات و نظارت بر فعالیتهای دولتی و بخش خصوصی است. بنابراین ما ابتدائاً به اصل حق دسترسی به اطلاعات به عنوان یک مقدمه و زیر ساخت اصل مشارکت خواهیم پرداخت و پیرامون این موضوع به بررسی مبانی این اصل و کنوانسیونهای جهانی و منطقه ای که در آنها اصل حق دسترسی به اطلاعات به رسمیت شناخته شده و مورد تاکید قرار گرفته، خواهیم پرداخت و متذکر خواهیم شد که این اصل از آن جهت که مقدمه اجرای اصل مشارکت است در هنگام مطالعه کنوانسیونها و اسناد بین المللی این دو توأمان مورد توجه و تاکید قرار گرفته است. در خصوص اصل حق دسترسی به اطلاعات اشاره ای نیز به قوانین کشورها خواهیم داشت و متذکر می شویم که در بسیاری از قوانین داخلی کشورها، اصل حق دسترسی به اطلاعات به صورت عام بیان شده است و در برخی از قوانین ملهم از کنوانسیون ها و اسناد بین المللی می توان اصل دسترسی به اطلاعات زیست محیطی را نیز دید. البته تضمین حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی را می توان در متون حقوق بشری نیز دید که به تدریج شمار زیاد موافقت نامه های گوناگون زیست محیطی وظایفی را به منظور تهیه و تامین اطلاعات زیست محیطی به دولتها تحمیل می نمایند. در بسیاری موارد دادگاهها با تفسیر موسعی که از اصول و قواعد خود به عمل آوردند این اصل را مورد شناسایی قرار داده اند که در این زمینه رویه و عملکرد اتحادیه اروپایی می تواند راهگشا باشد.

سپس در ادامه به بررسی و مطالعه مشارکت شهروندان به عنوان یکی دیگر از محتویات حق برخورداری از محیط زیست سالم خواهیم پرداخت و مبانی و منابع آن را ذکر خواهیم کرد.

بنابراین با بیان مقدمه فوق الذکر، در این رساله به دنبال تحقیق و بررسی و مطالعه دقیق این اصل به عنوان یکی از اصول پایه ای در حمایت از محیط زیست هستیم و در پی یافتن پاسخی به پرسشها و مسایل زیر هستیم.

۱- مبنا این اصل مشارکت مردم در تصمیم گیری ها زیست محیطی چیست؟ چرایی اصل مشارکت کدام است؟

۲- روند شکل گیری و جایگاه این مشارکت در حقوق بین الملل چگونه می باشد؟

۳- ورود اصل مشارکت در قوانین و مقررات دولتها به چه میزان بوده و فواید حاصل از آن چه بوده است؟

۴- ورود اصل مشارکت در قوانین و مقررات داخلی دولت جمهوری اسلامی ایران به چه میزان است؟

۵- فواید مترتب بر پذیرش این اصل چیست؟

۶- ابزارهای لازم دستیابی موثر به این اصل در اجرا کدامیک می باشد؟

بر همین اساس وبا توجه به موارد فوق الذکر در این رساله تحت عنوان سه فصل به مطالعه و بررسی این موضوع می پردازیم .

فصل اول پایان نامه به کلیات ،مبانی و جایگاه اصل مشارکت در عرصه حقوق بین الملل طی دو بخش مجزا اختصاص می یابد .دربخش نخست به بررسی مبانی و کلیات این اصل و در بخش دوم به بررسی جایگاه اصل مشارکت می پردازیم . در فصل دوم به بررسی عناصر ومحتوای این اصل می پردازیم که طی چند بخش به بررسی هر یک از عناصر این اصل و ابزارهایی برای کارآیی بیشتر اختصاص می یابد.

در فصل سوم به میزان به کارگیری اصل مشارکت و نتایج حاصل و ابزارهایی اجرایی برای تحقق آن در چند کشور از جمله این کشورها ایالات متحده امریکا و بلغارستان و آلمان می پردازیم و بخش دوم آن به وضعیت این اصل در نظام حقوق داخلی ایران اختصاص خواهد یافت .

درپایان این رساله نیز تحت عنوان نتیجه گیری به ابزارهای لازم برای تحقق موثرتر این اصل خواهیم پرداخت که از میزان و درجه توسعه یافتگی دموکراسی به عنوان مهمترین و ابتدایی ترین این ابزارها صحبت خواهیم نمود.

فصل اول :

مبانی، جایگاه اصل مشارکت در حقوق بین الملل

بخش اول: مبانی و کلیات اصل مشارکت

در این بخش به دنبال مطالعه و بررسی چرایی اصل مشارکت و منشاء شکل گیری آن به عنوان یک آموزه حقوقی در عرصه حقوق هستیم. اساساً مفاهیم و نهادهای حقوقی در راستای نیازهای جوامع شکل می‌گیرند و تا زمانی که در جامعه اعم از داخلی و بین‌المللی وجود یک نهاد حقوقی لازم نگردد شکل گیری و رشد آن نیز معنا و مفهوم ندارد. بنابراین این در بخش نخست این پایان‌نامه طی چند گفتار به بسترهایی که طرح بحث مشارکت را به وجود آورده‌اند، خواهیم پرداخت.

در پاسخ به اینکه چرا امروزه اصل مشارکت افراد به صورت یکی از مهمترین آموزه‌ها و گفتمانهای حقوقی در آمده است باید ابتدا در مفهوم و معنی جامعه حقوقی، حقوق بشر و حق ملت‌ها بر تعیین سرنوشت خود و ایده‌های جدید در زمینه اداره جامعه سیر کنیم. بنابراین موضوع این بخش از رساله را طی سه گفتار مجزا بیان می‌دارم.

گفتار اول: شکل‌گیری مشارکت در پرتو جامعه حقوقی:

در این گفتار به مفهوم و جایگاه حقوق و تفاوت جامعه حقوقی و جامعه فاقد حقوق می‌پردازیم و به بررسی این موضوع می‌پردازیم که مشارکت مردم چگونه در یک جامعه حقوقی معنا و مفهوم می‌یابد.

شاید امروزه دیگر صحبت کردن از جامعه حقوقی و وجود آن، آنقدر بدیهی و برای همه افراد به اندازه کافی ملموس شده باشد که تصور جامعه‌ای بدون حقوق دشوار باشد. ولی اگر نگاه‌هایمان را در صفحات تاریخ به گذشته‌ای نه چندان دور ببریم، خواهیم دید آنچه امروز از آن در کنار نظامهای دیگر اجتماعی مانند نظام سیاسی، نظام آموزشی و نظام فرهنگی به عنوان نظام حقوقی یاد می‌گردد محصول قرن‌ها تجربه بشر در طول سالیان دور و دراز تاریخ باشد.

در جوامع گذشته صحبت از نظام حقوقی آنگونه که امروز از آن معنا و مراد می‌گردد مفهومی بی‌معنا بوده است. از زمانی که جوامع رشد و توسعه پیدا می‌کند و جمعیت آنها رو به فزونی می‌رود، بنا بر طبع فزونی طلب و تنوع خواه و جاه طلب انسان از یک سو و کمبود منابع، نزاع بر سر تملک هر چه بیشتر منافع میان انسانها در می‌گیرد. اگر قبلاً منابع برای همه انسانها فراوان بود با رشد جوامع دیگر تامین منابع برای همه حداقل به آسانی و سهولت امکان پذیر نبود.

از طرف دیگر انسان به مدد غریزه کنجکاوی خود هر روز به ابزارهایی تازه‌ای در تسخیر طبیعت مجهز می‌گردد به طوری که با کشف آتش و ابزار شکار بر توانایی و قدرت خود بر بهره‌برداری بیشتر از طبیعت می‌افزاید. همین قدرت بهره

برداری بیشتر به مدد ابزار هایی که در نتیجه پیشرفت علم و فناوری در اختیار او قرار گرفت، دستمایه تجاوز و تعدی او به منافع دیگر افراد نیز قرار گرفت. یعنی آنها که به ابزارهایی بیشتر مجهز بودند اقدام به قتل و از بین بردن وجود دیگران یا از بین بردن و بهره برداری بیشتر از غذای آنها می کردند. در چنان فضایی است که حقوق به منظور مهار قدرت اقویا و حمایت از حقوق ضعفا متولد می شود و جوامع با توسعه قواعد و مناسباتی در صدد مشخص ساختن مرزها حقوق و تکالیف افراد بر می آیند و از آنجا که پدیده های اجتماعی در سیر زمان دائما در معرض تحول و دگرگونی قرار دارند، قواعد حقوقی نیز مرتبا در طول زمان و مکان دستخوش تغییر و تبدیل و تکامل قرار می گیرند. ولی به نظر می رسد نمی توان هیچ تاریخ دقیقی برای شکل گیری و تولد آن در نظر گرفت و بایست تاریخ زایش آنرا همراه با تاریخ ظهور انسان بر کره خاکی دانست.

آری اگر بخواهیم نگاه ریشه ای به دانشی که امروزه از آن به عنوان حقوق یاد می شود، داشته باشیم باید رشد و توسعه و تحول و تغییرات فزاینده و متفاوت آن را در اعصار تاریخ بشر جستجو کرد.

اما حقوق اولیه چگونه بود و محتوی و قلمرو آن چه میزان بود؟ آیا هیچ شباهتی میان آنچه امروزه یکی از گسترده ترین دانشهای اجتماعی نامیده می شود و حقوق در جوامع گذشته، می توان یافت؟

پاسخ هر چه که باشد باید گفت که جوهر اساسی و ذاتی دانش حقوق در طول قرنها و اعصار یک چیز بیشتر نبوده و آن هم حفظ حقوق و آزادی تمامی انسانها بر پایه دو اصل مهم و مرتبط با یکدیگر یکی عدالت و دیگری نظم.

اما عدالت و نظم چگونه محقق می گردد؟

اگر هدف حقوق را تامین نظم و عدالت که مورد اتفاق اکثر مکاتب حقوقی است قرار دهیم، باید بدانیم مراد از نظم و عدالت چیست؟

در این رابطه عدالت کمتر محل مناقشه و اختلاف واقع گردیده است درحالی که درباره مفهوم نظم و کیفیت استقرار آن در جامعه، مکاتب مختلفی به وجود آمده است. مختصر اینکه، گروهی نظم را دارای منشاء الهی می دانند و فرامین و آموزه های آسمانی و رعایت آنها را تضمین کننده نظم در جامعه می دانند. گروهی دیگر نظم را برخاسته از قدرت و نیروی شمشیر می دانند.

بنابر این به طور ساده می توان چنین برداشت کرد که بسته به اینکه استقرار نظم در جامعه را بر چه مبنایی استوار سازیم، میزان و وضعیت حضور و دخالت مردم یا شهروندان در جامعه نیز متفاوت خواهد بود. به طوری که در یک جامعه که از وجود یک حکومت دیکتاتوری برخوردار است میزان دخالت و حضور شهروندان در صحنه استقرار نظم جامعه بسیار